

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق (مطالعه موردی نیما یوشیج و نازک الملائکه)

دکتر نجمه دری*

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

دکتر ناصر نیکوبخت

استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر فرامرز میرزایی

استاد دانشگاه تربیت مدرس

فیروز الاسعد**

چکیده

پرسش‌گری از ویژگی‌های بارز شعر نو است. عنصر پرسش در تشکیل بیشتر مضمونهای شعر نو شریک است و برای فهمیدن فکر و اهداف شاعران باید پرسشهای گوناگون آنها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در این پژوهش، عنصر پرسش در شعر ایران (نیما) و عراق (نازک-الملائکه) به عنوان دو نماینده از شاعران پیشرو شعر معاصر مقایسه و بررسی شده است. پرسش در شعر هر دو شاعر از کاربرد اصلی خود خارج شده و دستاویزی برای بیان احساسات و دیدگاه شاعران در مضمونهای مختلف اجتماعی و فلسفی می‌شود. این مقاله، ابعاد مختلف اندیشگانی و احساسی این شاعران را با استفاده از عنصر پرسش و چگونگی کاربرستی آن در فضای شعرشان بررسی می‌کند. همچنین پس از استخراج نمونه‌های شعری در مضمونهای مختلف، آنها را به شیوه توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی طبقه‌بندی و تحلیل کرده‌ایم. شعر شاعران منتخب تا حد شگفت‌انگیزی به‌خصوص در انتخاب پرسش به‌عنوان قالب، برای بیان تفکرات و احساسات خود شبیه هم است؛ مضمونهایی مانند (مرگ، عشق، تنبه به امور سیاسی، بیان اعتراض، نارضایتی و غیره) در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۹/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۳/۱

*نویسنده مسئول: n.dorri@modares.ac.ir

**دانشجو دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیأت علمی دانشگاه دمشق

است. پرسش در شعر «نیما و نازک» ابزاری برای ایجاد داستان در شعر و خلق ماجرا است. شاعران از طریق تکرار ادات سوال یا طرح پرسش تجاهل‌العارف یا از طریق استفاده از دو ادات استفهام در جمله (بیشتر در شعر نیما) بر ایده خویش تأکید می‌کنند. از این‌رو نتایج حاصل از این پژوهش در بهبود فن ترجمه و مطالعه متون مذکور از منظر علم معانی می‌تواند مفید واقع شود.

کلیدواژه‌ها: اغراض ثانوی، بلاغت، پرسش، نازک‌الملائکه، نیما.

۱. مقدمه

شعر، هنر القای احساسات و فکر است؛ به‌همین دلیل در زبان شعر، واژه‌ها و جملات در معنای عادی خود به‌کار نمی‌رود. شعر در قالب زبان عاطفی و چندبعدی بیان می‌شود. مطالعه این ابعاد و قالبها در حوزه علم معانی قرار می‌گیرد. «علم معانی مجموعه اصول و قواعدی است که چگونگی تأثیر گفته‌ای را در ارتباط با مقتضای حال مخاطب مورد بررسی قرار می‌دهد» (هاشمی، ۱۹۹۹: ۴۶). بحث اصلی علم معانی عدول سخن از مقصد اصلی و هنجار عادی جملات است. هر نوع جمله یک استفاده اصلی و رایج دارد که در دستور زبان ذکر شده است و یک معنی یا معانی ثانوی که به‌وسیله شاخه‌های علم بلاغت در متن القا می‌شود. در علم معانی جملات، بویژه در شعر، به مقتضای حالات مختلف برای مقاصد دیگری استفاده می‌شود.

قدرت شاعر از طریق استفاده وی از انواع وجوه بلاغی در فضای شعر جلوه می‌کند. از مهمترین شگردهای بلاغی که حضور چشم‌گیری در شعر نیما و نازک دارد، استفاده از جملات پرسشی است. جملات پرسشی از آنجا که اندیشه را برمی‌انگیزد و و دعوتی برای اشتراک احساسات و اطلاعات محسوب می‌شود، بستری مناسب برای بیان اغراض ثانوی است. به‌خصوص در شرایطی که پرسش در شعر، از کاربرد اصلی خود خارج می‌شود و بیانگر احساسات و جهان‌بینی شاعران در مورد موضوعات مختلف جامعه و مسائل اجتماعی و فلسفی است. پرسش اصلی مقاله این است که به‌کارگیری «پرسش» به‌عنوان یکی از ابزارهای القای معنی در شعر نیما یوشیج و نازک‌الملائکه چگونه است؟ و کدام جوانب احساسی و فکری از طریق «عنصر پرسش» در شعر

تداعی می‌شود؟

«استفهام یا پرسش، درخواست دریافت صورت چیزی است که در ذهن پرسنده است و پرسنده می‌خواهد بداند آن صورت با خارج و واقع هماهنگی دارد یا نه؟» (طیبیان، ۱۳۹۲: ۱۸۳). در حوزه بلاغت، زمانی که پرسش در غیرمعنای خود به کار می‌رود تأثیر کلام را مضاعف می‌کند. بررسی شگردهای القای معنی در عنصر پرسش، در حوزه علم بلاغت و به طور اخص علم معانی قرار می‌گیرد و تحت عنوان اغراض ثانوی مطرح می‌شود. اهداف و اغراض جملات یا حقیقی است یا مجازی. در مورد پرسش برخی از اهداف ثانوی عبارتند از: (اخبار، امر، تشویق، تویخ و ملامت، انکار، تقریر، مسخره و تحقیر، اظهار یأس و غیره) برخی معتقدند که چون پرسش، درخواست اطلاعات است، نوعی امر محسوب می‌شود.

اصل استفهام مثل امر، فرایند تولیدی (چون جزئی از انشای طلبی است) دارد. در امر، درخواست چیزی در ذهن به واقعیت منتقل می‌شود، اما در پرسش بر عکس این موضوع پیش می‌آید، یعنی از چیزی که در واقع رخ داده، اطلاعاتی به ذهن منتقل می‌شود^۱ (عبدالمطلب، ۱۹۹۷: ۲۸۵).

نیما و نازک‌الملائکه نیز هر دو برای بیان اغراض شاعرانه خود از جملات پرسشی بسیار استفاده کرده‌اند. غرض از تنوع در طرح سؤال، از سوی این شاعران بیشتر از مقوله دعوت به تفکر محسوب می‌شود و نشاندهنده دیدگاه آنها نسبت به مآجراها و رخدادهای سیاسی یا تشریح فضای اجتماعی و فکری خودشان است.

نیما و نازک‌الملائکه، هر دو شاعران پیشگام، نقاد و صاحب سبک هستند. آنها تقریباً در یک دوره تاریخی زندگی کرده‌اند، هر دو با زبانهای خارجی آشنا بوده و از مکتب رمانتیسیم غربی متأثر بوده‌اند. «شرایط و مقدمات مشابه و سوابق یکسان شعر عربی و فارسی سبب شده است که این دو (نازک‌الملائکه و نیما) به یک نتیجه برسند» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۹: ۱۱۶). این شرایط اجتماعی و فرهنگی در هر دو کشور، تا حدی باعث ایجاد تغییر در قالب شعر و مضمون آن بوده است.

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. ابتدا اشعاری که جملات پرسشی دارد از دیوانهای این دو شاعر به صورت ابیات و مصرع‌های فارسی و عربی استخراج شده و پس از آن، این جملات را از نظر اغراض اولیه یا ثانویه پرسش و ابعاد چندگانه معانی آن، تحلیل و طبقه‌بندی کرده‌ایم.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد این دو شاعر پژوهشهای بسیاری صورت گرفته است که بیشتر، شامل مقالاتی است که به مطالعه تطبیقی اشعار این دو شاعر از جنبه‌های مختلف پرداخته‌اند؛ از جمله: جواد میزبان و منصوره صفرزاده (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شعر و اندیشه نیما یوشیج و نازک‌الملائکه» به این نتیجه رسیدند که نیما و نازک‌الملائکه در آفرینش تصاویر زیبا و جذاب در عناصر طبیعی موجود در محیط اطراف، از واژه‌های معمول و رسا، تعبیرات و اصطلاحات ویژه دوران خود بهره می‌جویند.

گوهر علمداری و مرادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «افسانه و اسطوره در شعر نیما و نازک‌الملائکه پیشگامان شعر جدید پارسی و تازی»، لیلا کردبچه (۱۳۹۳) در مقاله «ایجاز و حذف در شعر معاصر (با تکیه بر اشعار نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری و یدالله رؤیایی» و نیز آزاده قادری (۱۳۹۶) در مقاله «واکاوی زیباشناسی و معنانشناسی سبک تکرار در چند قصیده از نازک‌الملائکه و نیما یوشیج» به بررسی بلاغی شعر این شاعران با رویکرد تطبیقی در حوزه تکرار و حذف و ایجاز پرداخته‌اند.

همچنین چند پایان‌نامه در حوزه بلاغت در آثار این دو شاعر به‌صورت جداگانه وجود دارد که عبارتند از: بیاتی، اکرم (۱۳۸۹) با عنوان «رمز در شعر نازک‌الملائکه» در دانشگاه علامه طباطبائی؛ جاوید، آمنه (۱۳۹۰) پایان‌نامه‌ای با عنوان «صورخیال در اشعار نیما یوشیج»؛ رحیمیان ثابت، اعظم (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی سیر تحول صورخیال در شعر نازک‌الملائکه» دانشگاه لرستان و تیشه برسر، آزاده (۱۳۹۱) پایان‌نامه‌ای با عنوان «سبک‌شناسی در اشعار نیما یوشیج».

همچنین رساله‌ای از الزیدی المیاحی، جمال اهلل (۲۰۱۱) با عنوان «أسلوبیة اللغة عند نازک‌الملائکه» که در دانشگاه بابل نوشته شده است. در این رساله سبک نازک‌الملائکه را از نگاه علم معانی بررسی کرده است و به‌روش به‌کارگیری استفهام در اشعار نازک‌الملائکه اشاره کرده است.

براساس جست‌وجوهایی که انجام داده‌ایم، تاکنون در بیان اهمیت جملات پرسشی و کاربرت آن در شعر این دو شاعر، تحقیقی صورت نگرفته است. در این مقاله بررسی وجوه به‌کارگیری جملات پرسشی در بیان احساسات این دو شاعر ذکر شده و به‌دنبال

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق
آن دریافت دیدگاه آنها نسبت به موضوعات مختلف عصر خود، موضوعی جدید است
که با ذکر شاهد مثالهایی از شعر آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. معرفی شاعران مورد بحث

نیما یوشیج یا علی اسفندیاری (۱۲۷۵-۱۳۳۸ هـ ش) شاعر معاصر ایران است، ملقب به پدر شعر نو فارسی. استفاده از عناصر بلاغی و بدیعی که باعث کمال شعری در همه دوره‌هاست در شعر نیما جایگاه ارزنده‌ای دارد ولی در عین حال سادگی و بی‌پیرایگی نیز از ویژگیهای اصلی شعر نیماست. این رویکرد متناقض‌نمایانه در تحقیق حاضر مورد توجه نویسندگان بوده است. «تابلوهای کلامی نیما از پیرامون خود کاملاً ساده و طبیعی است و از جلوه‌های مصنوع اشعار گذشتگان پیراسته است» (اخوان ثالث، ۱۳۳۹: ۳۰۳).

از عناصر مهم حاکم بر شعر نیما، طبیعت است. در واقع، نیما هنگامی که اندیشه مدرن را مبنای سرایش خود قرار می‌دهد «به تجربه‌های عام بشری در قالب پدیده‌های طبیعی (رود، کوه، پرنده، درخت، شب، صبح و غیره) کیفیتی نمادین می‌بخشد (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۵: ۲۸۹). از اندیشه‌های دیگر نیما، غم‌گرایی است و در واقع، غم، یکی از عناصر ثابت شعر اوست. در اشعار اجتماعی نیما درد و رنج وجود دارد. به گونه‌ای نیما مایه اصلی اشعار خود را «رنج» قرار داده است؛ زیرا به درد و رنج مردم اهمیت می‌دهد و بیداری خلق برای او جایگاه ویژه‌ای دارد. «عشق به مردم و راهنمایی و رهاندن خلق از بدبختی در دل او خانه می‌کند و او به عنوان شاعر می‌خواهد شعرش را در خدمت راهنمایی و روشن کردن خلق بگذارد» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۵۱).

نازک‌الملائکه: از پیشگامان شعر نوین عرب و از خانواده‌ای ادب‌پرور، متولد ۱۹۲۳م در بغداد است. شعر نازک، شعر رمانتیک است که با رویدادهای اجتماعی و سیاسی همراه است و در عین حال متأثر از شعر غربی است. دهه چهارم از عمر نازک‌الملائکه اوج تأثیرپذیری وی از مکتب رومانتیسم بوده است. وی بسیار به این مکتب علاقه داشت و از شاعران رومانتیک انگلیسی اثر پذیرفته است^۲ (امرای، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

۴. بحث و بررسی

۴-۱ انواع پرسش در فارسی و عربی

استفهام از انواع طلب و طلب نیز از اقسام انشا است. استفهام در لغت، طلب فهم کردن و

در اصطلاح علم معانی عبارت است از خواستن کاری یا چیزی که برخواننده از نظر تصویری یا تصدیقی مجهول بوده باشد و برای کسب فهم یا خبر از کسی به کار می‌رود. در زبان عربی الفاظی که برای استفهام به عنوان ادات پرسش وضع شده عبارتند از: «همزه، هل، ما، من، ای، کیف، کم، این، انی، متی و إیان» و از میان این الفاظ، بعضی فقط برای طلب تصور است و بعضی تنها برای طلب تصدیق و بعضی برای هر دو است (خطیب قزوینی، ۲۰۰۵: ۸۱). در زبان فارسی جملات پرسشی همراه با ادواتی مانند: چه، که، کی، کدام، چند، چون، چگونه، کجا، آیا، و گاه پرسش را هیچ نشانه‌ای واژه‌ای نیست (کزازی، ۱۳۷۴: ۲۰۳-۲۰۵). پرسشهای شعری بیشتر جنبه بلاغی دارد یعنی پرسش حقیقی نیست و از معنی اصلی خود خارج می‌شود تا معنی جدید براساس سیاق شعر تداعی کند. به عبارتی «جملات پرسشی که جنبه سؤال غیرایجابی دارند، یعنی سؤالی که جواب نمی‌خواهد، به اینگونه سؤالات که در ادبیات رایج است سؤال بلاغی می‌گویند. سؤال بلاغی پیام را به‌طور غیرمستقیم و مؤثرتر انتقال می‌دهد» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

معانی بلاغی برای ادات پرسش زیاد است و نمی‌شود یک کلمه پرسشی، مختص یک معنی بلاغی باشد؛ مانند پرسش در معنای حقیقی خود.

ما نمی‌توانیم بگوییم که این ادات جز این معنی ندارد، سیاق متن فقط پرتو معنایی را بر ادات استفهام القا می‌کند. ادیب با قلم بلیغ، قبل از استفهام، متن را می‌خواند و بعد از آن درخصوص آن تأمل می‌کند و قصد نویسنده آن را می‌داند؛ بعد معنای اصلی استفهام را درک و بیان می‌کند^۳ (دیباچی، ۱۳۷۶: ۵۸).

نوعی دیگر از پرسش بلاغی وجود دارد که ناقدان بلاغی به آن «تجاهل العارف» می‌گویند.^۴ استفهامی که متکلم جواب آن را می‌داند و به جواب نیاز ندارد؛ متکلم این سؤال را مطرح می‌کند و حقیقت آن را می‌شناسد و به غرض اخراج سؤال از معنی اصلی خود، به معنی مدح، هجو یا غیره است تا شدت عشق، تعجب، سرزنش و تقریر خود را نشان بدهد (اسماعیل الاوسی، ۱۹۸۸: ۴۱۳).

نکته قابل ذکر این است که ادوات استفهام در زبان عربی در آغاز جمله استفهامی می‌آید به‌طور مثال: سبویه (۱۸۰ هـ) درباره ادوات استفهامی (کجا) و (چگونه) چنین گفته است که: اینگونه ادواتی که در آغاز جمله می‌آیند مهمترین سازه جمله هستند (سبویه، ۱۹۸۸: ج ۲، ۱۲۸) اما در زبان فارسی چنین دستوری وجود ندارد و قابلیت

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق
جابه‌جایی سازه‌های جمله در این زبان بیشتر از عربی است.

۴-۲ پرسش بدون ادات استفهام

حضور ادات استفهام در جمله باعث می‌شود ذهن مخاطب به‌جواب آن مشغول شود؛ اما در عدم وجود آن، استفهام در مفهوم فعل می‌آید و مخاطب به‌کل جمله فکر می‌کند. در این صورت یا از طریق آهنگ ادای جمله و یا از طریق صورت نوشتاری، با مشاهده علامت «؟» در پایان جمله، می‌توان پرسشی بودن آن را دریافت نمود. این روشی است که با آن، شاعر بر نظر خویش تأکید می‌کند. لذا با عدم وجود ادات استفهام، جمله شکل خبری می‌گیرد. مثال از شعر نیما:

دیده‌ای یک گلوله یا تیری / که به‌خاک اندر آورد شیری؟ / دیده‌ای پاره سنگ
کم‌وزنی / که چو از مبدأش برون ببرد / دل بحر عظیم را بدرد؛ / در همه موج‌ها
شود نافذ؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۱۶۳)

آدات پرسشی که در شعر نیما حذف شده، «آیا» است که پاسخ آن مثبت است و مخاطب، چنین واقعه‌ای را دیده بود و ممکن است در مفهوم کلی این سؤالات معنای تشویق را افاده کند. این شعر از قصیده «قلب قوی» گرفته شده است و در ادامه شعر، نیما می‌گوید «پاره سنگ و آن گلوله تویی». اما در شعر نازک پرسش بدون ادات پرسشی معمولاً بیانگر تعجب است و جواب آن در مفهوم جمله بعد از پرسش می‌آید که منفی است.

إرتوائی؟ هذا السَّرابُ الذی یر کضُّ قلبی وراءُ وهوَ ینأی^ه
(نازک‌الملائکه، ۱۹۸۶: ۲/۱۶۲)

در شاهد مثال بالا، جمله پرسشی با یک کلمه در بیت آمده است. بقیه اجزای آن حذف شده و در اصل، پرسش این است «آیا از من می‌پرسی که سیراب شده‌ام؟» این بیت شعر از قصیده «چهره‌ها و آینه‌ها» گرفته شده است که ترجمه بیت اول آن این است: «ای جامه‌های رویا ای که همیشه تو را افقی در آغوش نورها تصور کردم» و در حقیقت، این جامه‌ها به هیچ‌وجه شاعر را سیراب نکرد.

نوعی دیگر از پرسش بدون ادات پرسش در شعر نیما و نازک‌الملائکه وجود دارد. در پرسش، تشبیه یا استعاره وجود دارد و منظور شاعر ثابت کردن این تشبیه است و نوعی از تجاهل‌العارف محسوب می‌شود مثالی از شعر نیما که با شب حرف می‌زند:

تو آینه‌دار روزگاری / یا در ره عشق پرده‌داری / یا دشمن جان من شدستی؟ (نیما یوشیج، ۱۳۹۵: ۴۴)

نازک‌الملائکه هم همین روش از پرسش را دارد. مثال:

وجهه أم زهره حمراء؟ أم وهج ضياء / و فؤادی أم جناحا طائر یسیح فی ریح الجنوب؟ (نازک‌الملائکه، ۱۹۹۸: ۱۴۶) (صورتش یا گل سرخ است؟ یا درخشش نور؟ دلم یا دو بال پرنده‌ایست که وسط باد جنوب شنا می‌کند؟)

نوع سومی از جمله پرسشی بدون ادات استفهام، جمله با فعل منفی که با هدف اقرار آمده است. مثال از نیما:

به‌چهر رهگذر مردم، که پیری می‌نهدشان دل شکسته / دلت نگرفت، از خواندن؟ / از آن جانت، نیامد سیر؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۶۵۵)

این پرسش تقریری است یعنی دلت گرفته است و ... در شعر نازک‌الملائکه نیز چنین کاربردی وجود دارد مثال:

إنفجارات؟ و بعض الأبرياء / بعضهم لم یسقطوا بعد ضحایا؟ (انفجارها؟ و بعضی از بی‌گناهان / بعضیها قربانی نیافتاده‌اند زمین؟) یعنی حتما قربانی شدند.

از این سه نوع پرسش بدون ادات نتیجه گرفته می‌شود که پرسشها چندبعدی هستند و براساس بافت متن کلی دریافت می‌شود

أدموع، أَسکتی الدمع السخینا / واعصری من صرخة الجرح ابتساما / انفجار؟ هدأ الجرح وناما / فاتركیه واعبدی القید المہینا / ثورة؟ لا تبغضی السوط الملحاً^۶ (نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۲/۳۳۰). اشکها؟ اشکهای گرم خود را خاموش کن / از فریاد زخم لبخند بگیر / انفجار؟ زخم آرام شد و خوابید / رهایش کن و قیود خارکننده را پرستش کن / انقلاب؟ از شلاق‌های همیشگی خشمگین نشو.

۴-۳ با استفاده از ادات استفهام

«آیا» / همزه و هل پرسش تقریری: در استفهام تقریری مخاطب به صحت قول گوینده اقرار می‌کند (عتیق، ۱۹۸۵: ۹۹) این کارکرد معنایی - منظوری از دیرباز مورد توجه علمای بلاغت بوده است و در شعر معاصر هم وجود دارد. برای نمونه در شعر نیما:

نیست آیا مرگ، پس در این جوشش / بهر او موحش؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۱۲۷)

در شعر نازک‌الملائکه نیز چنین احساسی (خستگی از زندگی) وجود دارد:

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق

ولماذا نبقي هنا؟ أو لم نش بع ونضجر ونرو دون انتهاء؟^۷

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱۰۸ / ۲)

در پرسش تقریری شاعران بر درست بودن دیدگاه خود نسبت به زندگی، سعی در گرفتن اقرار از مخاطب و جلب توجه دارند.

بازارهای گرم مسلمان / آیا شده است سرد؟ / یا کومه محقر / گشته است پر ز درد؟

(نیما، ۱۳۹۵: ۵۰۵)

أغناء ولا مسامع تؤوی ال لحن و الحب في كؤوس الشعور؟^۸

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۲۹۶)

«آیا» / «هل و همزه» پرسش انکاری: مفاد جملات پرسشی انکاری بعید دانستن و متعذر بودن است «از معانی مجاز استفهام، انکار نمودن است. مشروط به آنکه آنچه مورد انکار است (شیرازی، ۱۳۶۸: ۹۳). این دو شاعر برای بیان نگاه منفی خود به زندگی نیز از استفهام انکاری استفاده کرده‌اند. مثلاً:

زندگانی بی دروغ و کاست باید باشد آیا؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۳۸۹)

ولماذا أبکی؟ وهل يردع الدّم ع المنايا؟ وهل يحسّ القضاء؟^۹

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۳۶۱)

نیما در شاهد مثال بالا با کلمه استفهام «آیا» که در آخر جمله آمده است تأکید بر این دارد که زندگی هیچ وقت بدون کم و کاست نیست اما روش تأکید نازک، با تکرار ادات استفهام است.

«چه» / «ما» «ماذا»: نیما و نازک الملائکه از «چه» برای بیان گله و شکایت استفاده

کرده‌اند اما نازک از پرسش با ادات «چه» استفاده کرده است:

ما الذی بیننا من البغض ماذا کان سر القتال و الأحقاد^{۱۰}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۶۳)

«ما» یا «ماذا» در عربی به معنی «چه» است که در بیت بالا نیز درون مایه شکایت و گله دارد.

در بیت زیر نیما نیز از «چه» برای گله و شکایت در جمله پرسشی استفاده کرده است:

چه شد آن یاری که از یاران من خویش را خواندی ز جانبازان من

(نیما، ۱۳۹۵: ۲۶)

«کی» / «متی»: برای طلب تعیین زمان است اما در شعر این دو شاعر از معنی اصلی تعیین زمان خارج و معنی خستگی از امری را می‌دهد:

تا کند تغییر. کرده‌ام تغییر / پس کی آه من می‌کند تأثیر؟ (همان: ۱۲۶)
أستنفدُ أيامي وأجرُ غدي المعسولُ / فيفرُّ إلى الماضي المفقودُ / أيامي تأكلُها الآهات
متی ستعودُ؟^{۱۱} (نازک‌الملائکه، ۱۹۸۶: ۲ / ۱۱۱)

«چگونه» / «کیف»: یکی از کاربردهای ادات استفهام برای تعیین حالت است. این دو شاعر گاهی برای بیان حالت غم خود و سخت‌بودن شرایط از این ادات استفاده کرده‌اند؛

این همه نقش‌های دلکش را چون بینم، چگونه درگذرم؟
(نیما، ۱۳۹۵: ۱۰۸)

أی قلب یؤویہ؟ کیف یعیش الضوء
کیف ألقى الحرمان ظلَّ السنين الصـ
ففر فوق العيون فوق الشفاه؟^{۱۲}
(نازک‌الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۲۸۵)

«چرا» / «لماذا و فیم»: از کاربردهای دیگر ادات استفهام برای پرسش از علت امری است که این دو شاعر از آن با معنی ثانوی برای بیان سرزنش و تفکر خود به‌کار برده‌اند
مثال:

إرتوائی؟ أوأه من حرق الرو
ح لماذا تظلُّ روحی ظمأی؟^{۱۳}
(نازک‌الملائکه، ۱۹۸۶: ۲ / ۱۶۲)
ها هنا أستطيع أن أفهم السرَّ
ففیم الأسی؟ و فیم البكاء؟^{۱۴}
(نازک‌الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۹۴)
و چرا هر رگ من، از تن من، سفت و سقط شلاقی ست / که فرود آمده سوزان
(نیما، ۱۳۹۵: ۷۵۸)

«کجا» / «أین»: کاربرد دیگر ادات استفهام برای تعیین مکان است، ولی در شعر این دو شاعر بیشتر با درون‌مایه شکایت و حسرت آمده است مثال:

خانه من، جنگل من، کو، کجاست؟
حالی‌ا فرسنگها از من جداست
(نیما، ۱۳۹۵: ۳۳)
أین أصدافک اللوامع یا شطُّ
إذن أین كنزك الموعود؟^{۱۵}
(نازک‌الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۶۹)

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق

این دو شاعر برای تأکید بر نقل احساس غم از ادوات استفهام گوناگون استفاده کرده‌اند (چه، کجا، آیا، کی، چرا و غیره). سؤالاتی که در اشعارشان ذکر شده به جواب نیاز ندارد؛ به اصطلاح این پرسشها حقیقی نیستند. ادات پرسش در شعر، مخاطب را وادار می‌کند که به جزئی که درباره آن پرسش مطرح شده است فکر کنند و به آن بیشتر اهمیت بدهند، چون همراه آن غرض پرسش درج می‌شود. و مخاطب با ادات پرسش بیشتر تامل می‌کند.

۴-۴ استفاده از دو ادات استفهام

در شعر نیما جمله‌های پرسشی، با دو ادات استفهام وجود دارد مثال:
چه بدید آیا که به خود لرزید؟/ چه شامه دید؟ چه معما دید؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۱۲۵)
 در کتاب دستور زبان فارسی، خانلری به وجود دو ادات استفهام در جمله پرسشی اشاره کرده است کلمه «آیا» در اول و کلمه پرسش در ضمن جمله با هم می‌آیند» (خانلری، ۱۳۷۷: ۱۰۷) در حالی که در نازک چنین کاربردی وجود ندارد.
 نکته قابل توجه این است که این دو شاعر به تعداد زیاد از پرسش استفاده کرده‌اند و ادات پرسش در اشعارشان بسیار دیده می‌شود مثال از شعر نیما:
خانه من، جنگل من، کو، کجاست؟/ حالیا فرسنگها از من جداست (نیما، ۱۳۹۵: ۳۳).
 در شعر نازک الملائکه تکرار پرسش وجود دارد مثال:
لَمْ أَعُدْ أَسْتَطِيعُ أَنْ أَسْكِتَ الشَّوْ قَ فَكَيْفَ الْوُصُولُ؟ كَيْفَ الْوُصُولُ؟^{۱۶}
 (نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱/ ۳۶۳)

۵. بررسی و تحلیل جملات پرسشی از منظر غرض

اظهار غم و حسرت: غرض از به کار بردن جمله پرسشی به جای اخبار، امری و عاطفی، تأثیر بیشتر کلام است. جملات پرسشی را می‌توان به جملات اخباری و امری (نهی) و عاطفی تأویل کرد (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

این دو شاعر برای بیان غم و اندوه خود در زندگی از استفهام استفاده کرده‌اند:

کیف ینجو من الآسی و متی یشُ فِی من الموجعاتِ و الآلام؟^{۱۷}

کیف ینجو و الطبع و القدر القا القاسی یسوقانه إلی الأحزان؟^{۱۸}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱/ ۳۶۳)

چه سود از آن هوس که چون تیرگی/ بر سینه روشن سحر مانده ز شب/ می‌آید

صبح خنده بر لب از در (نیم، ۱۳۹۵: ۴۰۶).

به کجای این شب تیره بیاویزم قبابی ژنده خود را / تا کشم از سینه پردرد خود بیرون /
 تیرهای زهر را دلخون؟ (همان: ۳۴۷)

و ثبتنا علی أسانا خریفاً و ربیعاً فما جمالُ الحیاة؟^{۱۹}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۱۶۲)

ما الذی أرجو و من حولی المساء المذلهم و الأعاصیر و أشباح الدیاجی، و الخضم؟^{۲۰}
 (همان: ۵۰۵ / ۱)

طلب: سؤالات این دو شاعر بیانگر احساس تنهایی و ناامیدی آنها است و نیاز آنها
 به دوستی یا یاری را نشان می‌دهد.

سالها بگذشت و در بندم اسیر، کو مرا یک یاوری، کو دستگیر؟

(نیم، ۱۳۹۵: ۲۴)

و لمن أشکو عذابی و أسایا؟ و لمن أرسل هذی الأغنیات^{۲۱}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۴۸۱)

جواب جملات پرسشی منفی است زیرا هیچ یاوری وجود ندارد یا کسی نیست که
 بتوان با وی درد دل کرد. و برای این منظور شاعران از ادات «کجاست» استفاده کردند.
 تسلیم و جبرگرایی: نازک الملائکه علاقه خاصی به مطالعه آثار نیچه و شوپنهاور
 داشت. خود در این باره می‌گوید:

تفکر فلسفی عادتاً مرا فراگرفته بود و دائماً دوست داشتم که همه چیز را بررسی کنم
 و در چگونگی و اسباب و عوامل آن فرو روم، لذا در پی این علاقه به مطالعه فلسفه
 روی آوردم. باید اعتراف کنم در ایام جوانی، فلسفه بدبینانه "شوپنهاور" بر من
 تأثیری شدید گذاشته بود (شراره، ۱۹۹۴: ۱۱۰).

تفکر و دیدگاه نازک الملائکه این است که حاصل این زندگی هیچ چیز نیست و فقط
 نوعی از درد تکراری است و این انکار ارزش برای جهان (پوچ گرایی یا هیچ گرایی که
 از اعتقادات نیچه است) در پرسشهای گنجانده در شعر او نمایان می‌شود:

کیف یحیا فیها السعید و لیست غیر بحر تحت الدجی و الریاح^{۲۲}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۷۰)

أنی تسیر سفیتی الحیری إذن؟ أنی الرجوع؟ فلتمض للمجهول، ذلک وحده ما نستطیع^{۲۳}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱ / ۶۰۵)

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق

مرگ‌اندیشی از مهمترین مضمونهای شعر نازک‌الملائکه است. از سؤالاتی که مطرح می‌کند ناامیدی کامل در مقابل مرگ مفهومی است که مدام به خواننده القا می‌شود.

كُلُّ مَا فِيهِ إِلَى الْقَبْرِ يَقُودُ مَا الَّذِي يَبْقَى لَنَا مِنْ أَمَلٍ؟^{۲۴}

(نازک‌الملائکه، ۱۹۸۶: ۱/ ۵۱۲)

فَعَلَامَ الْعِزَاءِ وَالْأَمَلِ الْمَو هُوَ فِي حَوْمَةِ الدَّجَى الْمَدْلَهْمِ؟^{۲۵}

(همان، ۱۵۶)

دیدگاه این دو شاعر از طریق سؤال، بیان می‌شود؛ نیما بر عکس نازک‌الملائکه بر اهمیت این زندگی تأکید دارد و از مفهوم بعضی سوالات در اشعار او می‌توان دریافت که به وقت و گذر زمان در زندگی اهمیت می‌دهد و برای تلف کردن آن هشدار می‌دهد. آن که نشناخت قدر وقت درست/ زیر این طاس لاجورد چه جست؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۹۹)

زن و جایگاه وی در جامعه: یکی از مضمونهای مهم در دوران معاصر، زن و نقش فعال وی در جامعه است. این دو شاعر از طریق سؤال، عدم رضایت خود را از وضعیت زن و دیدگاه خود نسبت به نقش او را بیان کرده‌اند؛ نیما از زبان افسانه می‌گوید: «یک زمان دختری بوده‌ام من/ نازنین دلبری بوده‌ام» (۵۷) بیشتر سؤالات نیما که از افسانه می‌پرسد با هدف ملامت و سرزنش است مثال:

ای فسانه! مگر تو نبودی/ آن زمانی که در صحاری/ می‌دویدم چو دیوانه، تنها (نیما، ۱۳۹۵: ۵۳).

سرگذشت منی ای فسانه! / که پریشانی و غمگساری؟ یا که دو دیده اشکباری؟ یا که شیطان رانده ز هر جایی؟ (همان: ۵۴)

تو نبودی مگر آن هیولا، / آن سیاه مهیب شرربار/ که کشیدم ز بیم تو فریاد؟ (همان: ۵۳)

نازک‌الملائکه مردم جامعه را سرزنش می‌کند چرا که وضعیت اجتماعی زن در آن روزگار نابسامان است.

العار؟ و یسمح مدیته - (مزقنا العار) ورجعنا فضلاء، بیض السمعة أحرار^{۲۶}

یا ربّ الحانة أين الخمره وأین الکاس؟ ناد الغانیة الکسلی العاطرة الأنفاس^{۲۷}

(نازک‌الملائکه، ۱۹۸۶: ۲/ ۳۵۲)

نازک از طریق جملات پرسشی به‌خوبی وضعیت اجتماعی زن را نشان می‌دهد و با این جملات پرسشی، نارضایتی و خشم خود را بیان می‌کند.

عشق: در مضمون عشق، نیما از معشوقش گله می‌کند و این احساس را در قالب سوال می‌سراید مثال:

میلَت سویِ دوستان نهاده است چرا؟ مه‌رت همه با بدان زیاده است چرا؟
 (نیما، ۱۳۹۵: ۷۹۳)

نارضایتی نازک از معشوق در آینه اشعارش کمتر از نیما نمود دارد.
 دَعُهُ، ماذا یَعْنِیکَ لِتَسْأَلَ فِی إِصْرَارٍ؟ الْحُبُّ یَمُوتُ إِذَا لَمْ تَحْجِبْهُ أَسْرَارٌ^{۲۸}
 (الملائکه، ۱۹۸۶: ۱۰۰ / ۲)

اظهار بیان عجز: در این کارکرد معنایی، گوینده ناتوانی و درماندگی خویش را از انجام کاری بیان می‌کند مثال:

رحمًاکَ یا نجمی الجمیلَ متی نہایۃً لیلیتی؟ ومتی ستنتشعُ الغیومُ وتستریحُ کأبتی؟^{۲۹}
 (الملائکه، ۱۹۸۶: ۱۰۱ / ۱)

یک ستاره از فساد خاک وارسته / روشنایی کی دهد آیا / این شب تاریک دل را؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۳۴۷)

اگر باران کند سرریز از هر جایی؟ / اگر چون زورقی در آب اندازد جهان را؟ / در این تاریکی آور شب / چه اندیشه و لیکن، که چه خواهد بود با ما صبح؟ (همان: ۷۴۰)

جملات پرسشی به معنی امر (همراه تشویق) و نهی (همراه با سرزنش): در شعر نازک تشویق در کنار نصیحت وجود دارد. در مثال زیر شاعر مخاطب را به حرف زدن تشویق می‌کند، در واقع امر با تشویق است.

فیمَ نَحْشی الکلمات؟ / إِنْ تَکُنْ أَشْوَاکَهَا بِالْأَمْسِ یَوْمًا جَرَحَتْنا / فَلَقَدْ لَفَتْ ذُرَاعِیْهَا عَلَی أَعْنَاقِنَا / وَ أَرَاقتْ عَطَرَهَا الْحُلُوعَ عَلَی أَشْوَاقِنَا^{۳۰} (الملائکه، ۱۹۸۶: ۴۹۰ / ۲).

این دو شاعر برای اینکه مخاطب را به انجام کاری وادار کنند به جای جمله امر یا نهی از جمله پرسشی استفاده کرده‌اند مثال:

چند خواهی عمر را بر باد داد / چند! چند آخر مصیبت بردنا / لحظه‌ای دیگر نباید رفتنا... (نیما، ۱۳۹۵: ۳۴) در این شعر نهی پنهان وجود دارد یعنی (عمر بر باد نده)

أیُّ غَیْبٍ أَنْ تَفْقِدُوا کُلَّ شَیْءٍ فِی الْبَلَاءِ وَالسَّکُونِ وَالظُّلُمَاءِ؟^{۳۱}
 (الملائکه، ۱۸۹۶: ۱۹۴ / ۱)

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق

همچنین در شعر نازک معنی نهی غیرمستقیم وجود دارد (از دست ندهید).

پرسش به معنی امر غیرمستقیم در شعر هر دو شاعر دیده می شود.

أيهَا الْعَالَمُ الَّذِي اقْتَرَفَ الذَّنْ بَ أَمَّا أَنْ تَكْفُرَ عَنْهُ؟^{۳۲}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۵۲/۱)

یعنی کفاره گناهان را به جای بیاورید

دلگشا هست جهان، چشم چرا بستن از آن؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۵۳۹)

یعنی از زندگی لذت ببر.

نکته قابل توجه در اشعار این دو شاعر استفاده از امر و نهی غیرمستقیم همراه با

پند و اندرز است.

جملات پرسشی برای بیان دیدگاه فلسفی و عرفانی: جملات پرسشی بستر اصلی

تفکر فلسفی و عرفانی است؛ زیرا برای درک آن به تفکر عمیق نیاز دارد و جملات

پرسشی، انسان را به تفکر عمیق وامیدارد.

زنده دار سخن تو باشی چون ما که ایم از تمام کن فیکون؟

(نیما، ۱۳۹۵: ۲۶۲)

چو بدین گونه او جهان بگذاشت چشم از این میزبان چه باید داشت؟

(همان: ۲۶۸)

فیم تبکی علی مفارقه الدن یا و قد عشت فی حماها غریبا؟^{۳۳}

(الملائکه، ۱۹۸۶: ۴۹۹/۱)

هذه هذه أنا لیس من شک فلم لا أمسها بیدياً؟^{۳۴}

(همان: ۱۶۴/۲)

پرسش تجاهل العارف: تجاهل العارف یکی از آرایه بدیعی معنوی است که «گوینده

سخن با وجود اینکه چیزی را می داند، تجاهل کند و خود را نادان وانمود نماید، و این

صنعت، چون با لطایف ادبی همراه شد، موجب تزیین و آرایش کلام می شود» (همایی،

۱۳۶۷: ۳۱۶). این دو شاعر در این نوع پرسش، جواب را می دانند و فقط برای جلب

توجه خواننده است که از مخاطب سؤال می کنند. جواب سؤال در بیشتر مواقع در

مفهوم سؤالات وجود دارد و گاه چند سؤال به دنبال هم می آیند که همگی شبیه به هم

هستند.

یا يد الموت فیم کان نصیب الش اعر الفذ منك هذا التجنی؟^{۳۵}

أَلَكِي تَكْتَبِي الْخُلُودَ لَذِكْرَا هُ عَلَى الْأَرْضِ وَهُوَ غَضٌّ يَافِعُ؟^{۳۶}
أَمْ لَكِي تُنْقِذِيهِ مِنْ شَجَنِ الْعُزْرِ لَهُ وَالْفَكْرُ وَالْأَسَى وَالْمَدَامُ؟^{۳۷}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱/۲۲۰)

قلب پُر گیرودارِ منی تو/ که چنین ناشناسی و گمنام؟ / یا سرشت منی، که نگشتی /
در پی رونق و شهرت و نام؟ / یا تو بختی که از من گریزی؟ (۵۴)
از تعریفهای دیگر تجاهل العارف به هم آمیختن شک و یقین است که آنچه
درست است با شک درآمیزد (مطلوب، ۱۹۸۶: ۳/۶۳). در مثالهایی تجاهل العارف بشکل
جمله‌ای اخباری آمده که مضمون شک دارد. این مثالها در شعر نیما و نازک دیده
می‌شود مثال:

أَتَرَانَا كَالزَّهْرِ يَقْطُفُهُ الْفَلَا حُ فِي الْفَجْرِ شَارِدًا غَيْرَ دَارِ؟^{۳۸}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۱/۲۲۲)

من ندانستم چه شد کان روزگار اندک اندک برد از من اختیار
(نیما، ۱۳۹۵: ۲۳)

نازک با شک از خود می‌پرسد، اما در اشعار نیما به شکل جمله اخباری آمده است.
پرسش برای ساخت داستان شعری: این دو شاعر از پرسش برای ایجاد داستان در
شعر و خلق ماجرا در آن استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر پرسش در شعر داستانی
شاعران حضور مهم دارد.

گفت حاکم به پسر: واقعہ چیست؟ / برهان- گفتن مرا واقعہ نیست/ نان به مادر به
چه عنوان ندهی؟ داری از خرج زیاده؟ - دارم (نیما، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

وَهْزُ السَّكُونِ وَصَاحَ: لِمَاذَا سَرَقْتَ الْقَمَرَ؟ فَجُنَّ الْمَسَاءُ وَ نَادَى: وَ أَيْنَ خَبَأَتِ الْقَمَرَ؟^{۳۹}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۲/۴۲۹)

جملات پرسشی به معنی تحقیر: جملات پرسشی در شعر شاعران بیانگر نگاه و
تحقیر شاعر است. مثلاً نازک زندگی را ناچیز می‌بیند و این دیدگاه را در قالب پرسش
آورده است:

أَهَذَا إِذْنُ هُوَ مَا لَقَبُوهُ الْحَيَاهُ؟ / خُطُوطٌ نَظَّلُ نَخْطُطُهَا فَوْقَ وَجْهِ الْمِيَاهُ؟^{۴۰} (الملائکه،
۱۹۸۶: ۲/۱۰۲).

و نیما آدمی را که گرمای مهربانی ندارد ناچیز می‌بیند:

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق

با دلی کآتشی نه دود کند خلوتی بودنش چه سود کند؟

(نیما، ۱۳۹۵: ۲۷۳)

جملات پرسشی به غرض تنبیه به امور سیاسی: به عنوان مثال در سال ۱۳۲۹ مبارزات نفت در ایران شکل گرفته است؛ نیما برای این رخداد شعر گفته است (شهرستانی، ۱۳۸۳: ۳۲۵).

در ره نهفت و فراز ده حرفی است / کی ساخته است؟ / کی برده است؟ / کی باخته است؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۷۱۲).

از چیست در شکسته و بگسسته پنجره / دیگر چرا که اطاقی / روشن نمی شود به چراغی / یک لحظه از رفیق رفیقی / جویا نمانده، نمی پرسد / از سرگشته ای و سراغی؟ (نیما، ۱۳۹۵: ۷۱۳).

۱۵۵



دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

در جملات پرسشی نیما، تنبیه و توجیه کردن مردم به اوضاع سیاسی کشور وجود دارد. در جملات، ادات «کی، چرا» استفاده شده است. مسئله جواب دادن سؤالات برای شاعر مهم است و در شعر وی تکرار می گردد و این تأکید بیشتری بر اهمیت سؤالات و عمق آن دارد اما نازک الملائکه مسائل سیاسی را در قالب حسرت بیان کرده است؛ حسرت از اوضاع عرب امروز:

متی یا زمان تعود الحیاء الینا و تنطلق القافلة؟^{۴۱}

(نازک الملائکه، ۱۹۸۶: ۲ / ۳۶۸)

از عنوانهایی که ذکر شده است ثابت می شود که پرسش در شعر این دو شاعر کاربرد بسیاری دارد. جملات پرسشی در همه مضمونها در شعر این دو شاعر دیده می شود؛ بی ثباتی احساسات شاعران و سعی مدام آنها برای ایجاد تغییر در زندگی شخصی و اجتماعی باعث استفاده مکرر شاعران از جملات پرسشی به گونه های مختلف شده است و این استفاده مکرر از پرسش به مخاطب فرصتی برای تأمل می دهد.

نتیجه گیری

نیما یوشیج و نازک الملائکه برای انتقال احساس غم از ادوات استفهام گوناگون استفاده کرده اند (چه، کجا، آیا، کی، چرا و غیره). سؤالاتی که آورده اند حقیقی نیستند و مضمونهایی دارند که در اشعار هر دو شاعر مشترک است: بیان دیدگاهشان نسبت به زندگی، مردم، زن، اعتقاد فلسفی مانند تسلیم و جبرگرایی، مرگ، عشق، و رخدادهای

سیاسی. اغراض ثانوی جملات سؤالی در شعر این دو شاعر عبارتند از: اظهار غم و حسرت، طلب، ناراضی بودن، اعتراض، سرزنش، تحقیر، اقرار گرفتن از مخاطب، بیان عجز، تشویق، امر و نهی، بیان دیدگاه فلسفی و عرفانی و تشکیل داستان. پرسش، مضمونهای شعر معاصر ایرانی و عراقی را فرامی گیرد و این دلیلی است بر ناراضی بودن شاعر از فضای دوران خود و اعتقاد شاعر به ضرورت تغییر؛ در حالی که استفاده از جملات با غرض ناامیدی در شعر نازک الملائکه بیشتر است. این ناامیدی به دلیل تحت تاثیر بودن شاعر از تفکرات فلسفی نیچه و شاپنهاور است. از انواع پرسش که در شعر این دو شاعر دیده می شود تجاهل العارف است و به دو شکل در شعرشان دیده می شود: یکی پرسشهایی است که شک دارد میان چند حالتی که معنای کلی آنها یکی است، چند معنای متنوع باشد و نوع دوم با طرح پرسش از خود به ندانستن اعتراف می کنند؛ مانند (شعر نازک) یا با طرح جمله خبری که با (نمی دانم) شروع می شود، مانند آنچه که در شعر نیما دیده می شود.

مضمون سیاسی در شعر نیما در قالب جملات پرسشی با غرض تنبه آمده است که به ایمان شاعر در ایجاد تغییر اشاره دارد اما در شعر نازک الملائکه این مضمون در قالب جملات پرسشی با غرض اظهار حسرت آمده برای برانگیختن احساس مردم در مقابل این شکستی که رخ داده بود. به علاوه شاعران از پرسش برای ساخت داستان شعری استفاده کرده اند.

پی نوشتها

- ۱- إذا أن بنیة الأمر (انشاء طلبی "بینة تولیدیه") تتجه فیها الحركة من الذهن إلى الخارج، أما بنیة الاستفهام فإن الحركة فیها عکس ذلك حيث تتجه من الخارج إلى الذهن.
- ۲- کانت نازک الملائکه فی الاربعینات فی ذروة رومانطیکیتها و قد أعجبت إعجابا شديدا بهذا الاتجاه. کانت الشاعرة متأثرة بالشعر الرومانسی الانکلیزی.
- ۳- فلیس لنا أن نقول إن هذه الأداة لا تعنی إلا کذا أو کذا، فالسیاق وحده، هو الذی یضفی علی الأداة شعاعا تتلون به، و الأديب البلیغ هو الذی قرأ ما قبل الاستفهام ما بعده و نظر فی نفسه، أو عرف ما فی نفس الآخرين، فحکم الحکم الحق العادل.
- ۴- البلاغیون یطلقون تسمیه (تجاهل العارف) علی الاستفهام الواقع ممن یعلم و یستغنی عن طلب الإفهام. وهو سؤال المتکلم عما یعلمه حقیقه تجاهلا منه، لیخرج کلامه مخرج المدح أو الذم أو

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق

- لیدل علی شده التذله فی الحب، أو لقصد التعجب، أو التوبيخ، أو التقرير.
- ۵- سیرابی من؟ این سراب است که دل من به دنبال آن می رود ولی آن از من دور می شود.
- ۶- آیا اشکها؟ اشکهای گرم خود را پاک کن / از فریاد زخم لبخند بگیر / انفجار؟ زخم آرام شد و خوابید / رهایش کن و قیود خارکننده را پرستش کن / انقلاب! از شلاق های همیشگی خشمگین نشو.
- ۷- چرا اینجا می مانیم؟ آیا بی نهایت سیر، خسته و سیراب نشدیم؟
- ۸- آیا این آهنگ است در حالی که گوشتی برای دریافت لحن و عشق در جامهای شعور نیست
- ۹- چرا گریه می کنم؟ آیا اشک جلوی مرگ را می گیرد؟ و آیا تقدیر گوش می دهد؟
- ۱۰- بین ما چه بغضی وجود دارد؟ راز جنگ و کینه چیست؟
- ۱۱- روزهایم را پشت سر می گذرانم و فردای شیرینم را پیش می برم / و (فردای شیرین) به سوی گذشته گمشده فرار می کند / آه ها روزهایم را می خورند. کی برخوای گشت؟
- ۱۲- چگونه نیازی، سایه سالهای زرد را بر چشمها بر لبها انداخت؟
- ۱۳- سیرابی من؟ آه از سوزش جان چرا جانم همیشه تشنه است؟
- ۱۴- اینجا می توانم راز را دریابم پس چرا غم هست؟ چرا گریه برای چیست؟
- ۱۵- ای ساحل! صدفهای درخشنده تو کجاست؟ پس گنجی که انتظار داریم کجاست؟
- ۱۶- دیگر نمی توانم شوق را خاموش کنم پس چگونه برسم؟ چگونه برسم؟
- ۱۷- چطور از غم نجات پیدا می کند؟ و چه زمانی از درد و رنج بهبود می یابد؟
- ۱۸- چگونه نجات پیدا کند در حالیکه سرشت خود و تقدیر بی رحم، او را به غم و اندوه سوق می دهد؟
- ۱۹- و بر غم خود یک پاییز و یک بهار صبر کردیم پس قشنگی زندگی در چیست؟
- ۲۰- چه امیدی دارم در حالی که پیرامونم شب تاریک و توفانها و شب های شب و مصیبت ها هست؟
- ۲۱- و به چه کسی درد و غمهایم را بگویم؟ و برای چه کسی این آهنگها را بفرستم؟
- ۲۲- چگونه خوشبخت در این (دنیا) زندگی می کند در حالی که دنیا جز دریایی زیر سیطره شب و بادهای نیست.
- ۲۳- پس کی کشتی من حرکت می کند؟ کی وقت بازگشت می آید؟ بگذار به سمت نامعلوم حرکت کند، فقط این امر (که تحت اختیار ما نیست و باید بپذیریم) را می توانیم انجام بدهیم.
- ۲۴- همه چیز در آن ما را به قبر سوق می دهد برای ما از امید چه می ماند؟
- ۲۵- چرا سوگواری، عزاداری و امید متوهم در وسط تاریکی مطلق وجود دارد.
- ۲۶- ننگ؟ خنجر خود را (از خون) پاک می کند و می گوید «نگ را پاره پاره کردیم» و برگشتیم مثل

- قبل آوازه خوب داریم؛ آزاد و صاحب فضیلت برگشتیم
- ۲۷- ای صاحب میخانه، باده کجاست و جام کجاست؟ خنیاگر خواب‌آلوده را که نفسی عطرانگین دارد آواز ده.
- ۲۸- رهایش کن به تو چه ربطی دارد اینقدر اصرار می‌کنی؟ اگر رازها را نگه نداری عشق می‌میرد.
- ۲۹- ای ستاره زیبای من رحم کن کی شبم تمام می‌شود؟ کی ابرها از بین می‌روند و اندوه من استراحت می‌کند؟
- ۳۰- چرا (برای چه) از کلمات، ترس داریم؟ اگر خارهای او دیشب ما را زخم کرد، امروز دستهای خود را دور گردن ما پیچاند و عطر خوشبوی خود را روی اشتیاق ما ریخت اگر حرفهای خود به ما خلیل و گردن ما را شکست و با ما مهربانی نکرد، قول را در دست ما گذاشت و فردا ما را آغشته عطر و گل و زنگی خواهد کرد. آه جام ما را با کلمات پر کنیم.
- ۳۱- چه خسارتی است که در بلاها و خاموشی و تاریکی همه چیز را از دست می‌دهید؟
- ۳۲- ای جهانی که مرتکب گناه شده‌ای آیا وقت آن نرسیده است که کفاره گناهان را به‌جا آوری؟
- ۳۳- چرا وقت خداحافظی با زندگی گریه می‌کنی در حالیکه در آن غریبه بودی؟
- ۳۴- این، این من است که شکی ندارد پس چرا نمی‌توانم با دستم وجودم را لمس کنم؟
- ۳۵- ای دست مرگ، چرا قسمت شاعر بزرگ می‌شوی این به‌منزله جنایت تو است؟
- ۳۶- آیا برای جاودانگی و حفظ یاد او بر روی زمین چنین سرنوشتی را برایش تقریر کردی در حالی‌که وی جوانی بی‌تجربه بوده است؟
- ۳۷- یا برای اینکه او را از غم تنهایی، فکر، اندوه و اشکها نجات بدهی؟
- ۳۸- آیا ما مانند گل هستیم که کشاورز آن را وقت سحر سرگردان و بی‌فکر می‌چیند؟
- ۳۹- سکوت را لرزاند و گفت: چرا ماه را دزدیدی؟ آسمان دیوانه شد و فریاد زد: کجا ماه را پنهان کرده‌ای؟
- ۴۰- این است که آن را لقب زندگی داده بودند؟ / همیشه نقشی ثابت بر آب نقاشی می‌کنیم؟
- ۴۱- ای زمان کی زندگی به‌ما برگردد؟ و کاروان ما به‌راه بیفتد؟

منابع

- اخوان ثالث، مهدی؛ *بدایع و بدعت‌های نیما یوشیج*؛ تهران: زمستان ۱۳۶۷.
- اسماعیل الاوسی، قیس؛ *أسالیب الطلب عند النحویین و البلاغیین*؛ بغداد: بیت‌الحکمه، ۱۹۸۸.

طغیان پرسش در شعر معاصر - ابزاری برای القای اغراض ثانوی - در ایران و عراق

امرای، افشین؛ *بررسی رومان‌تیسیم در شعر نازک‌الملائک*؛ کاشان: دانشگاه کاشان، ۱۳۸۹.
بیاتی، اکرم؛ «رمز در شعر نازک‌الملائک»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹.

پورنامداریان، تقی؛ *خانه‌ام ابری است*؛ تهران: سروش، ۱۳۸۱.
تیشه برسر، آزاده؛ «سبک‌شناسی در اشعار نیما یوشیج»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، دانشگاه محقق اردبیلی، ۱۳۹۱.

جاوید، آمنه؛ *صورخیال در اشعار نیما یوشیج*؛ دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، ۱۳۹۰.
خطیب قزوینی، محمدبن عبدالرحمن؛ *الایضاح*؛ تحقیق عماد بسیونی زغلول، بیروت: دارالأرقم، ۲۰۰۵.

دیباچی، ابراهیم؛ *بدایه البلاغه*؛ تهران: سمت، ۱۳۷۶.
رحیمیان ثابت، اعظم؛ «بررسی سیر تحول صورخیال در شعر نازک‌الملائک»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، دانشگاه لرستان، ۱۳۹۰.

الزیدی المیاحی، جبار اهلل؛ *أسلوبیة اللغة عند نازک‌الملائک*؛ العراق: دانشگاه بابل، ۲۰۱۱.

سیبویه، عمر بن عثمان؛ *الکتاب*؛ تحقیق: عبج السلام هارون؛ القاهرة: کتابخانه خانجی، ۱۹۸۸.

شراره، حیا؛ *صفحات من حیا نازک‌الملائک*؛ مصر: ریاض الرئيس للكتب و النشر، ۱۹۹۴.

شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ *شعر معاصر عرب*؛ تهران: توس، ۱۳۵۹.

شمیسا، سیروس؛ *معانی*؛ تهران: میترا، ۱۳۹۳.

شهرستانی، سیدمحمدعلی؛ *عمارت دیگر*؛ شرح شعر نیما؛ تهران: قطره، ۱۳۸۳.

شیرازی، احمد امین؛ *آئین بلاغت*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی، ۱۳۶۸.

طیبیان، حمید؛ *برابرهای علوم بلاغت در فارسی و عربی*؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۹۲.

عبدالمطلب، محمد؛ *البلاغة العربیة قرائة أخرى*؛ مصر: الشركة المصریة العالمیة للنشر، ۱۹۹۷.

عتیق، عبدالعزیز؛ *علم المعانی*؛ بیروت: دارالنهضة العربیة، ۱۹۸۵.

علمداری، گوهر و افسانه مرادی؛ «اسطوره در شعر نیما و نازک‌الملائک پیشگامان شعر جدید پارسی و تازی»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*؛ ش ۱، بهار ۱۳۹۰؛ ص ۶-۵۳.

فتوحی رودمجنی، محمود؛ *بلاغت تصویر*؛ تهران: سخن، ۱۳۸۵.

- قادری، آزاده؛ «واکاوی زیباشناسی و معناشناسی سبک تکرار در چند قصیده از نازک‌الملائکه و نیما یوشیج»؛ *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، س ۶، ش ۱، ۱۳۹۶.
- کردبیچه، لیلا؛ «ایجاز و حذف در شعر معاصر (با تکیه بر اشعار نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری و یدالله رویایی)»؛ *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۳۴، پاییز ۱۳۹۳.
- مطلوب، احمد؛ *معجم المصطلحات الادبیه*؛ عراق: المجمع العلمی العراقی، ۱۹۸۶.
- میزبان، جواد و منصوره صفرزاده؛ «بررسی شعر و اندیشه نیما یوشیج و نازک‌الملائکه»؛ *الدراسات الأدبیة*، ش ۷۰-۷۲، بهار و تابستان و پاییز ۱۳۸۹؛ ص ۲۱۷-۲۵۱.
- نازک‌الملائکه، *دیوان نازک‌الملائکه*؛ ج ۱ و ۲، بیروت: دار العوده، ۱۹۸۶.
- نازک‌الملائکه؛ *یغیر ألوانه البحر*؛ القاهرة: الهيئة العامة لقصور الثقافة، ۱۹۹۸.
- اسفندیاری، علی (نیما یوشیج)؛ *نیما یوشیج مجموعه اشعار*؛ گردآوری سیروس طاهباز؛ انتشارات نگاه، ۱۳۹۵.
- هاشمی، سیداحمد؛ *جواهرالبلاغه*؛ مصر: مکتبه الایمان، ۱۹۹۹.
- همایی، جلال‌الدین؛ *فنون بلاغت وصناعات ادبی*؛ تهران: نشر هما، ۱۳۶۷.